

# جغرافیای بحران‌های بین‌المللی

■ غلامحسین حیدری

در قرن بیستم که اکنون آخرین سالهای آن را سپری می‌کنیم، جهان شاهد تحولات و دگرگونیهای عمیقی بوده است. توسعه سریع علوم و استفاده فزاینده از نتایج عملی آنها موجب شده که روابط بین‌ملتها در همه زمینه‌ها گسترش یابد و فواصل مکانی که دیرزمانی موجب جدایی و بیخبری اقوام و گروههای انسانی از یکدیگر بود، بتدریج کوتاه‌تر شود و جهان عملاً به سمت یکپارچگی و وحدت جغرافیایی پیش رود. این امر ضمن آنکه روابط فرهنگی، سیاسی، اقتصادی میان دولتها را گسترش داده، زمینه‌های برخورد و درگیری را نیز میان آنها تقویت کرده است.

لزوم دستیابی به مواد خام صنعتی و بازارهای فروش برای توسعه اقتصادی کشورها از یکسو، و کاربرد تکنولوژی و تجهیزات نظامی پیچیده با قدرت تخریب فوق‌العاده از سوی دیگر، باعث پیچیدگی هر چه بیشتر روابط بین‌المللی شده است. وقوع دو جنگ جهانی با دامنه و گستردگی بسیار، و بروز بحرانهای سیاسی - نظامی دوران جنگ سرد و بالاخره تنوع و تعدد بحرانهای سیاسی - اقتصادی که همه روزه در گوشه و کنار جهان اتفاق می‌افتد، لزوم توجه بیشتر به بهبود روابط بین‌کشورها و کاهش تنشجات بین‌المللی را مطرح ساخته است. زیرا برخلاف گذشته که به دلیل سادگی نسبی مسائل سیاسی، روابط بین دولتها کمتر بر پایه واقعیت‌های علمی و بیشتر به موجب خواست و اراده پادشاهان و سلاطین تعیین می‌شد، اینک روابط بین‌المللی دارای چنان پیچیدگیهایی است که بر اثر کوچکترین غفلت و اشتباه محاسبه عواقب جبران‌ناپذیری به بار خواهد آمد. لذا باید جنبه‌های مختلف این روابط با نگرشی دقیق و علمی مورد بررسی و تحلیل همه‌جانبه قرار گیرد تا ضمن تأمین منافع ملی کشورها، از پیامدهای منفی بحرانها و تنشجات بین‌المللی حتی‌المقدور کاسته شود.

در این میان بررسی بحرانهای بین‌المللی و شناخت جنبه‌های گوناگون آنها از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است. همه روزه اخبار گوناگونی درباره وقوع حوادث و رویدادهای مختلف سیاسی - اقتصادی و اجتماعی از گوشه و کنار جهان منتشر می‌شود و صدها میلیون انسان در جریان بحرانها و تحولات گپیچ‌کننده بین‌المللی قرار می‌گیرند. برخی از این حوادث، زودگذر و برخی مستمر و طولانی است. تعدادی ظاهراً تنها در داخل یک کشور اتفاق می‌افتد و برخی دیگر روابط بین دو یا چند کشور و حتی کل جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اهمیت برخی از بحرانها چنان زیاد است که گاهی جهان را تا لبه پرتگاه جنگ هسته‌ای می‌کشاند و گاه چنان بی‌اهمیت است که تنها در یک وعده خبری انعکاس می‌یابد. شناخت دقیق، طبقه‌بندی، بررسی آثار و نتایج احتمالی و بطور کلی یافتن راههای صحیح مقابله با این بحرانها، مبحثی است که تحت عنوان «مدیریت بحران» در علوم سیاسی و

روابط بین‌الملل مورد مطالعه قرار می‌گیرد. این مقاله تنها به بررسی اجمالی و معرفی جنبه‌های مختلف جغرافیایی بحرانهای بین‌المللی می‌پردازد.

در واقع، هدف این تحقیق گشودن چشم‌انداز جدیدی بر پدیده بحرانها از دریچه دانش جغرافیا است، دانشی که وظیفه تبیین، تجزیه و تحلیل و بالاخره یافتن راه عملی مناسب به منظور ایجاد تعادل در نظام زندگی روی سیاره زمین را بمعده دارد.

بعلاوه، این تحقیق می‌تواند زمینه بررسی‌ها و پژوهشهای اساسی‌تری را از سوی جغرافیدانان و محققان علوم سیاسی فراهم سازد تا بتوان ضمن شناخت اثرات متقابل مکانهای جغرافیایی و بحرانهای بین‌المللی بر یکدیگر، راههای مناسب مقابله با آنها را جستجو کرد.

در اینجا لازم است به پرسش‌ها یا فرصتهایی که به نوعی در این مقاله مطرح شده و می‌تواند مبنای تحقیقات و مطالعات بعدی صاحب‌نظران قرار گیرد به شرح زیر اشاره کرد:

□ ۱- آیا بحرانهای بین‌المللی دارای نظم ویژه‌ای است و از قانونمندی خاصی تبعیت می‌کند؟ در صورت داشتن ویژگیهای مشترک، طبقه‌بندی آنها چگونه صورت می‌گیرد؟

□ ۲- آیا ارتباطی منطقی میان بحرانهای بین‌المللی و فضاهای جغرافیایی وجود دارد؟ در این صورت چگونه می‌توان میزان تأثیر عوامل مختلف جغرافیایی اعم از طبیعی و انسانی را بر بروز بحرانها مورد بررسی قرار داد؟

□ ۳- چگونه می‌توان اثرات مختلفی را که بحرانها بر چشم‌اندازهای جغرافیایی از خود بجای می‌گذارند مورد شناسایی قرار داد؟

□ ۴- در صورت اثبات وجود اثرات محیط جغرافیایی بر بروز بحرانها، آیا می‌توان مناطق بحران‌خیز جهان را شناسایی کرد و به منظور حفظ صلح و امنیت جهانی برای رفع مشکلات سیاسی این مناطق اقدام کرد؟

□ ۵- چگونه می‌توان روند رشد، نحوه شکل‌گیری و جریان حرکت و گسترش فضایی بحرانها را مطالعه کرد؟

□ ۶- و بالاخره آیا می‌توان از عوامل جغرافیایی مثبت و منفی مؤثر بر بحرانها که گاهی وقوع و جریان آنها را کند و گاهی تسریع می‌کند آگاه شد؟ دادن پاسخ مستدل و روشن به پرسش‌های مطرح شده و یافتن چارچوبی علمی برای شناخت جغرافیایی بحرانهای بین‌المللی پیش از هر چیز می‌تواند دست‌اندرکاران سیاست خارجی کشورها را به یافتن راه‌حلهای مناسبی در مواجهه با بحرانهایی که روز بروز با وسعت و دامنه بیشتری موجب تیرگی روابط ملتها و به خطر افتادن صلح جهانی می‌شود، یاری رساند.

## تعریف، مفهوم و ویژگیهای عمومی بحران

به دشواری بتوان تعریف مشخص و همه‌جانبه‌ای از مفهوم بحران به دست داد زیرا این تعریف بستگی به دیدگاههایی دارد که می‌بایست در چارچوب آن، موضوع بحران مورد بررسی قرار گیرد. ریشه واژه «crisis» از کلمه یونانی «Krinein» بمعنی نقطه عطف (Turning Point) بخصوص در مورد بیماری است و همچنین بمعنی بروز زمان خطر در مورد مسائل سیاسی - اقتصادی است. در عین حال، بحران بعنوان «نقطه حساس» (Critical Point) تلقی می‌شود که در نهایت ممکن است ناشی از یک تحول مناسب یا نامناسب باشد، مانند مرگ و زندگی - دشمنی و دوستی - تعادل یا ناپایداری در روابط بین کشورها و غیره.<sup>۱</sup>

از نظر برداشت عمومی، بحران عبارتست از بوجود آمدن شرایطی غیر معمول یا غیر متعارف در روند حرکت یک سیستم. به بیان دیگر، «بحران» وضعیتی است ناپایدار که در آن تغییری ناگهانی در یک یا چند قسمت از

سیاسی کشورها می‌باشد، بطور طبیعی کلیه عناصر نظام اجتماعی تحت تاثیر شرایط بحران، کارکردهای خود را تغییر داده و نقشهای جدیدی برای خود برمی‌گزینند.

در اینجا ضروری است که از الگوی «مکعب بحران» که بر اساس «روش تصمیم‌گیری» توسط متخصصین آمریکایی تهیه شده ذکر می‌شود. در این روش با استفاده از دیدگاه رفتاری، نمونه رویدادهایی که از دید سیاستمداران آمریکایی برای ایالات متحده بحران محسوب می‌شود، بر پایه ویژگیهای عمومی، چگونگی و شیوه اتخاذ تصمیم کادر سیاسی مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. لذا بر اساس شرایط عمومی بحرانها از نقطه نظر «میزان تهدید - Threat»، «زمان - Time»، و عنصر «غافلگیری - Surprise» آنها را به هشت گروه عمده به شرح زیر تقسیم می‌کنند:

A- وضعیت کاملاً بحرانی (Crisis Situation): که در آن تهدید شدید، زمان تصمیم‌گیری کوتاه، و حادثه غافلگیر کننده است.

B- وضعیت نوظهور (Innovative Situation): تهدید شدید، زمان بلند، غافلگیر کننده.

C- وضعیت کند (Inertial Situation): تهدید ضعیف، زمان زیاد، موضوع غافلگیر کننده.

D- وضعیت ویژه یا موردی (Circumstantial Situation): تهدید ضعیف، زمان کوتاه، غافلگیر کننده.

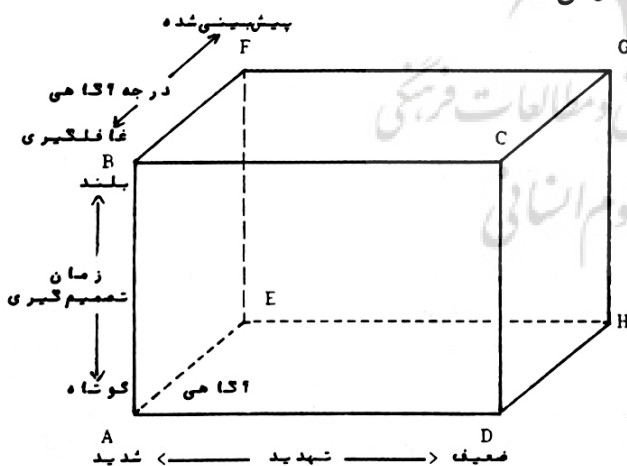
E- وضعیت انعکاسی (Reflexive Situation): تهدید شدید، زمان کوتاه، وضعیت پیش‌بینی شده.

F- وضعیت عمدی (Deliberative Situation): تهدید شدید، زمان بلند، پیش‌بینی شده.

G- وضعیت عادی (Routinised Situation): تهدید ضعیف، زمان بلند، پیش‌بینی شده.

H- وضعیت اداری (Administrative Situation): تهدید ضعیف، زمان کوتاه، پیش‌بینی شده.

تصویر مکعب بحران، سه بُعد اصلی تهدید، زمان تصمیم‌گیری و آگاهی را نشان می‌دهد.<sup>۱</sup>



### طبقه‌بندی جغرافیایی بحرانهای بین‌المللی

#### ۱- دیدگاههای تحقیق در بحرانها

اساساً منطقه بحران به فضایی جغرافیایی گفته می‌شود که بحران در آنجا شکل گرفته، جریان می‌یابد و سپس اثراتی از خود به جا می‌گذارد. در واقع منطقه بحران بخشی از سیاره زمین است که شعاعهای کنش و واکنش

عناصر متغیر نظم موجود ایجاد می‌گردد.

از دیدگاه سیستمی، «هر ضربه شدید به نظام بین‌المللی که آن را از حالت تعادل خارج سازد بحران نامیده می‌شود.»<sup>۲</sup> در واقع، زمانی که دسته‌ای از عناصر یک نظام مشخص بین‌المللی بر اثر دخالت یا اثرگذاری پاره‌ای از عوامل دچار ناسازگاری یا عدم تعادل شود، دفعتاً نظم موجود بر هم می‌خورد و کل سیستم دچار اختلال می‌گردد.

معمولاً بحران را مترادف «درگیری» نیز به کار می‌برند. به اعتقاد «گار» (Gurr - ۱۹۸۰)، «پدیده درگیری» عبارت از کنش و واکنش‌های آشکار و قهری گروه‌های رقیب می‌باشد. این تعریف هرگونه آشوب سیاسی، شورش، انقلاب و جنگ را در برمی‌گیرد ولی مفهوم «بحران بین‌المللی» در آن کمتر به چشم می‌خورد. اما به هرحال یک بحران بین‌المللی را می‌توان به عنوان تغییر وضعیتی تعریف کرد که با دو شرط اساسی همراه است:

دگرگونی در نوع و شدت کنش‌ها و واکنش‌ها میان دو یا چند رقیب، همراه با احتمال درگیری نظامی. و نیز ستیز با ساختار موجود یک نظام بین‌المللی اعم از سیستم‌های جهانی، منطقه‌ای یا فرعی که از طریق کنش‌ها و واکنش‌های بالاتر از حد معمول نشان داده می‌شود.<sup>۳</sup>

گرچه این مفهوم پیچیدگی زیادی دارد و بر مبنای دیدگاههای مختلف جنبه‌های گوناگونی پیدا می‌کند، اما بر اساس تعاریفی که ارائه شد می‌توان ویژگیهای عمومی بحرانها را به شرح زیر برشمرد:

۱- بحران بین‌المللی عبارت از شرایط غیر متعارفی است که در چارچوب روابط بین دو یا چند کشور پدید می‌آید. بنابراین پرداختن به بحرانهای داخلی از جمله شورشهای قومی، انقلابهای اجتماعی یا درگیریهای تندی که معمولاً میان چند گروه متخاصم در محدوده فضای جغرافیایی یک کشور روی می‌دهد، تا زمانی که دارای اثرات و تبعات مستقیم خارجی نبوده و بر روابط متقابل میان کشورها اثر مستقیم نگذارد خارج از موضوع «بحران بین‌المللی» است.

۲- شرایط بحرانی الزاماً به منزله درگیری مستقیم نظامی نیست، بلکه شرایط رفتاری یا ساختاری خاصی است که در آن درگیری مستقیم یا نبرد نظامی بعنوان مرحله‌ای از بحران تلقی می‌شود، گرچه ممکن است حتی بروز جنگ نیز موجب پایان یافتن آن نگردد.

۳- گرچه در شرایط کنونی منشأ بسیاری از بحرانهای بین‌المللی را باید در عملکرد عوامل اقتصادی جستجو کرد، اما از آنجا که معمولاً این مفهوم را بیشتر در مورد مسائل سیاسی به کار می‌برند، لذا در این تحقیق نیز سعی شده واکنشهای سیاسی - نظامی کشورها مبنای مطالعه قرار گیرد.

۴- با توجه به اینکه بروز و ادامه بحرانها بیش از همه ناشی از شرایط و نحوه تصمیم‌گیری رهبران و طراحان سیاست خارجی کشورهاست، لذا ویژگیهای روانی و شرایط رفتاری تصمیم‌گیرندگان در سرنوشت بحرانها دارای اهمیت بسیار زیادی است. به همین مناسبت «مطالعه بحرانها از دیدگاه رفتاری» به عنوان یک مقوله مهم در روابط بین‌المللی همواره مورد توجه بوده است.

۵- معمولاً بحران را «وضعیتی اضطراری» معرفی می‌کنند نه یک حالت «مزمّن». به همین دلیل در شرایط بحرانی، عامل زمان همواره علیه عوامل درگیر عمل می‌کند لذا تصمیم‌گیری، هدایت و اصولاً مدیریت بحرانها در کوتاه‌ترین زمان ممکن دارای اهمیت بسیار است.

۶- عوارض روانی - اجتماعی حاصل از بحرانها به گونه‌ای است که اغلب موجب بروز تغییرات حاد و گسترده در رفتار و واکنشهای اجتماعی و فردی جامعه می‌گردد. بحرانها گاهی بر رفتار جمعیتی یک کشور نیز اثر مستقیم می‌گذارد و کاهش یا افزایش میزان مولید و مرگ و میر جمعیت را سبب می‌شود.

۷- از آنجا که بحران به منزله بروز یک حالت غیر عادی در روند سیستم

## □ ۲- بررسی موضوعی بحراناها

اساساً پدیده بحران در مطالعات جغرافیایی به دو شکل مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

الف- گاهی شناخت عوامل مکانی و جغرافیایی مؤثر در بروز بحراناها مورد توجه است که در این صورت موضوع تحقیق درچارچوب «ژئوپولیتیک بحراناها» است. برای مثال، بررسی زمینه‌های بروز بحران در برخی از مناطق ژئوپولیتیک جهان که در شعاع عملیاتی دو قدرت بزرگ ژئواستراتژیکی واقع شده است، مانند اروپای شرقی، شبه جزیره بالکان، حاشیه ساحلی جنوب شرقی آسیا و سرزمین خاورمیانه که به اعتقاد «کوهن» منطقه درهم (Shatterbelt) نام دارد،<sup>۵</sup> یا وجود اقلیتهای قومی فعال در محدوده مرزهای سیاسی چند کشور با ظرفیتهای سیاسی- نظامی متفاوت که غالباً موجبات برخورد و درگیری میان کشورها را فراهم می‌سازند.

ب- گاهی نیز بررسی پیامدهای مختلف ناشی از وقوع بحراناها که منجر به تغییر بافت و چشم‌انداز جغرافیایی مکانها می‌شود مورد مطالعه است که در این صورت موضوع در قالب «جغرافیای سیاسی بحران» قرار دارد مانند مطالعه اثرات جنگ ایران و عراق بر مناطق مرزی دو کشور یا بررسی پیامدهای بحران خلیج فارس بر ساختار سیاسی کشورهای حاشیه‌ای این منطقه.

هر دو این موارد در محدوده دانش جغرافیا است که به تدریج مورد استقبال و توجه دانش پژوهان و علاقمندان موضوعات سیاسی و نیز جغرافیدانان قرار گرفته است.<sup>۶</sup>

## □ ۳- قلمرو مکانی بحراناها

بحرانهای سیاسی را بر حسب وسعت مکانی عوامل درگیر و بهینه جغرافیایی تعارضات آن به دو دسته داخلی و بین‌المللی تقسیم می‌کنند.

الف- بحرانهای داخلی شرایط غیر متعارفی است که معمولاً در ساختار سیاسی یک کشور روی می‌دهد و بر حسب ماهیت، شدت، دامنه، زمان و نوع عوامل درگیر در آن به انواع مختلفی تقسیم می‌شود که عمده‌ترین آنها عبارت است از:

- مبارزه سیاسی گسترده و حاد میان احزاب مخالف رقیب برای کسب قدرت سیاسی نظیر آنچه گاهی در حکومت‌های پارلمانی اتفاق می‌افتد و منجر به بی‌ثباتی سیاسی می‌گردد.

- بروز اختلافات شدید میان جناح‌های مختلف یک حکومت که گاهی تعویض و برکناری دولت را در پی دارد، نظیر آنچه در ایتالیا اتفاق افتاده است.

- وقوع کودتای نظامی که معمولاً در کشورهای جهان سوم روی می‌دهد.

- اعتصاب‌های گسترده کارگری که موجب بروز اختلال در نظم اقتصادی و سیاسی کشورها می‌شود.

- شورهای خیابانی که توسط گروه‌های مختلف سیاسی یا اجتماعی و با هدف ساقط کردن حکومت سازماندهی می‌شود که معمولاً بروز درگیریهایی خونین میان حکومت و مردم را در پی دارد.

- بروز درگیریهای قومی میان گروه‌های مختلف ساکن یک سرزمین نظیر جنبش کردها در عراق و ترکیه، برخوردهای شدید در یوگسلاوی سابق، یا درگیریهای قومی میان آذربایجان و ارمنه در قره‌باغ.

- جنگهای پارتیزانی که معمولاً توسط گروه‌های سیاسی یا بوسیله گروه‌های قومی به منظور ساقط کردن حکومت مرکزی شکل می‌گیرد.

بدیهی است که هیچگاه بحراناها داخلی تنها ناشی از عملکرد عوامل داخلی یک کشور نیست، بلکه بیشتر تحت تأثیر جریان‌های سیاسی -

خصمانه دو قدرت سیاسی در یکدیگر تداخل می‌کند. معمولاً تفاوتی که در دیدگاه جغرافیدانان و متخصصان روابط بین‌الملل از مفهوم بحران وجود دارد، ناشی از این است که برای کارشناسان مسائل سیاسی هر بحران دارای دو جنبه اساسی است. یکی شناخت زمینه‌ها و شرایط بروز بحران و دیگری کنترل و هدایت آن، یا به عبارتی «مدیریت بحران»، به گونه‌ای که حداقل ضایعات و حداکثر منافع از نتایج آن عاید گردد. در اینجا شناخت عوامل رفتاری تصمیم‌گیران تحت تأثیر شرایط زمانی و واکنشهای طرفین از اهمیت شایان توجهی برخوردار است.

لیکن جغرافیدانان مبنای تحقیق خود را بر پایه شناخت ارتباط ارگانیک و متقابل بین بحران سیاسی و محیط جغرافیایی قرار می‌دهند، زیرا همانگونه که پدیده‌های جغرافیایی اعم از انسانی و طبیعی بر مظاهر زندگی جوامع اثر می‌گذارد، به همان ترتیب نیز در روابط سیاسی بین ملتها و دولتها نقش ایفا کرده و این روابط را تحت تأثیر مداوم خود قرار می‌دهد. موقع جغرافیایی، وجود عوارض و شرایط توپوگرافیکی محیط طبیعی نظیر کوهها و رودها و منابع طبیعی کشورها در شکل‌گیری بحران و جریان آن همانقدر مؤثر است که عوامل انسانی نظیر رفتار اقلیتهای قومی-زبانی و مذهبی یا وسعت و شکل هندسی کشورها. حتی بخش مهمی از تمایلات و انگیزه‌های رهبران سیاسی کشورهای درگیر بحران معمولاً منشاء جغرافیایی دارد، مانند دستیابی به فضای حیاتی بیشتر، دسترسی به منابع طبیعی کشور همسایه یا نیاز به تأمین امنیت مرزها. از سوی دیگر، نتایج حاصل از تصمیمات اتخاذ شده توسط آنان نیز بصورت مستقیم بر بهینه فضای جغرافیایی منعکس می‌شود. جنبه‌های مختلف این ارتباط متقابل از جمله موضوعات مورد علاقه جغرافیدانان است.

در مطالعه جغرافیایی بحراناها، همانند سایر تحقیقات جغرافیایی، معمولاً دو دیدگاه مورد نظر است:

الف- یا بحراناها به صورت کلی و در مقیاس جهانی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و مشابهت‌ها و مغایرت‌های آنها با یکدیگر مقایسه می‌شود، که در این صورت «دیدگاه عمومی» مورد توجه است.

ب- گاهی زمینه تحقیق شامل بررسی همه جانبه یک بحران خاص در یک محدوده جغرافیایی و یک زمان مشخص است که در این حالت دیدگاه ناحیه‌ای یا موردی مبنای مطالعه می‌باشد.

بدیهی است هر یک از دو دیدگاه مزبور دارای نقاط ضعف و قوت خاص خود هستند. از «دیدگاه عمومی»، پژوهشگری که قصد تحقیق در این زمینه دارد شبیه فردی است که از بیرون به سیاره زمین می‌نگرد. در چنین شرایطی پدیده بحراناها به صورت همه جانبه و سیال اما بیشتر با تأکید بر جنبه‌های ظاهری آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. این دیدگاه شباهت زیادی به مطالعات اقلیمی توسط ماهواره‌های هواشناسی دارد که دائماً به دور زمین درحال گردش بوده و کلیه فعل و انفعالات جوی را فیلم‌برداری کرده و به ایستگاههای زمینی گزارش می‌دهد. مشکل این روش آن است که معمولاً کلی نگری مانع از شناخت دقیق و تجزیه و تحلیل همه جانبه بحراناها می‌شود و بویژه عوامل مکانی، ریشه‌های تاریخی و انگیزه‌های روانی ناظر بر بحراناها به درستی مورد شناسایی قرار نمی‌گیرد. در عین حال، با استفاده از این روش ساده‌تر می‌توان به یک طبقه‌بندی مشخص دست یافت.

از سوی دیگر در «دیدگاه ناحیه‌ای» با استفاده از همان روشی که در «تک نگاری‌ها» به چشم می‌خورد، بحراناها ابتدا دقیقاً کالبدشکافی شده و ریشه‌های جغرافیایی و رفتاری آنها در یک روند زمانی نسبتاً طولانی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و سپس نتیجه‌گیری لازم از موضوع تحقیق می‌شود. ضعف این روش نیز ناشی از کم توجهی به ویژگیهای مشترک یا مغایرت‌هایی است که معمولاً بین کلیه پدیده‌ها و از جمله بحراناها وجود دارد.

کویت توسط ارتش عراق و سپس بحران خلیج فارس شد. گاهی نیز کشوری مشخصاً با هدف وسعت بخشیدن به قلمرو جغرافیایی خود و اشغال بخشی یا تمامی سرزمین کشور دیگر با استناد به شواهد و مدارک تاریخی و قومی اقدام به ایجاد تنش و بحران می‌کند، مانند تلاش مراکش برای اشغال سرزمین صحرا.

#### □ ۵- عناصر درگیر در بحرانها

صرف نظر از بحرانهایی که تا پیش از جنگ جهانی دوم روی داده، در دوران جنگ سرد، بخش عمده‌ای از بحرانهای بین‌المللی ناشی از اراده و اعمال نفوذ دو ابرقدرت اتحاد شوروی و ایالات متحده بوده است. ماهیت نظام دو قطبی مبتنی بر تقسیم جهان به دو اردوگاه شرق و غرب یا به عبارتی دو ژئواستراتژی زمینی و دریایی و تلاش آنها برای گسترش دامنه نفوذ خود عامل اصلی بروز بحرانهای منطقه‌ای و محلی بوده است. بحرانهایی نظیر جنگ ویتنام، اشغال گرانادا و پاناما توسط آمریکا یا اشغال خاک افغانستان توسط ارتش سرخ از جمله دخالت‌های مستقیمی بود که در کنار بسیاری از دخالت‌های غیر مستقیم دو ابرقدرت صورت گرفت. بعلاوه، قدرتهای درجه دوم جهانی چون انگلیس، فرانسه، و چین نیز هر یک بطور مستقیم یا غیر مستقیم در ایجاد بحرانها سهم داشته‌اند. از آن جمله می‌توان به درگیری فرانسه در الجزایر و هند و چین، دخالت انگلستان و فرانسه در بحران کانال سوئز، یا نقش چین کمونیست در بحران کامبوج اشاره کرد. در برخی از بحرانها نیز، یا شواهد روشن دال بر دخالت قدرتهای بزرگ موجود نیست یا میزان دخالت آنها ناچیز است مثل درگیری هند و پاکستان بر سر کشمیر یا جنگ ایران و عراق و همچنین تعداد زیادی از درگیریهای که میان حکومت‌های مرکزی و چریکهای جدایی طلب اتفاق افتاده است. ویژگی عمده این درگیریها در محلی بودن آنهاست. با فروپاشی نظام اتحاد شوروی و کاهش نسبی دامنه نفوذ آن در مناطق مختلف جهان، ساختار نظام دو قطبی پس از جنگ دچار دگرگونی اساسی شده که خود عدم تعادل‌های را در کلیه مناطق جهان به وجود آورده است. اما تحولات اخیر حکایت از شکل‌گیری قدرتهای جهانی دیگری دارد که هر یک حوزه نفوذ و قلمرو ژئواستراتژیکی خاصی برای خود قائلند. از جمله قطب ژئواستراتژیکی در حال تکوین اروپای یکپارچه که در حال حاضر سواحل فرعی مدیترانه را در حوزه اقتدار خود گرفته است به همین جهت بحران کنونی بوسنی - هرزگوین را می‌توان به نوعی ناشی از اعمال نفوذ اروپائیان برای جلوگیری از تشکیل یک دولت مستقل اسلامی در سواحل دریایی آدریاتیک دانست.

■ زیرنویس‌ها:

1. Websters new World Dictionary
۲. مدیریت بحرانهای بین‌المللی - سیدعلی اصغر کاظمی - دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۶ - صفحات ۱۴ و ۱۵
۳. شیوه‌های مدیریت بحرانهای بین‌المللی - ترجمه جمشید زنگنه - مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ۲۹
۴. مدیریت بحرانهای بین‌المللی، صفحه ۲۲
5. The Structure of Political Geography - Roger E. Kasperson, Julian V. Mighi - 1969
۶. تحلیل رفتار بین‌المللی براساس یک مدل ژئوپلیتیکی - دکتر دره میرحیدر (مهاجرانی) - مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی بهمن و اسفند ۱۳۶۹
۷. جغرافیا، عامل انکارناپذیر در روابط بین‌الملل - روزنامه اطلاعات مورخ ۲۰ خرداد ۷۱، به نقل از: Theories of International Relations. (1990)
۸. شیوه‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی - گراهام تی. آلیس - ترجمه منوچهر شجاعی - ۱۳۶۳

اقتصادی است که از سوی دولتهای دیگر یا نظامهای مسلط منطقه‌ای یا جهانی اعمال می‌گردد، بنابراین تفکیک و طبقه‌بندی وقایع سیاسی بعنوان امور صرفاً داخلی یا خارجی و حتی سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی اساساً دشوار است.<sup>۷</sup> لیکن از آنجا که موضوع این تحقیق پیرامون بحرانهای بین‌المللی است، لذا از پرداختن به موضوع بحرانهای داخلی، با وجود اهمیت آنها و ارتباطی که با مباحث بین‌المللی دارد فعلاً اجتناب می‌کنیم و تنها درگیریهای قومی و جنگهای چریکی را که بازتابهای بین‌المللی دارد مورد توجه قرار می‌دهیم.

ب- بحرانهای بین‌المللی نیز خود برحسب محدوده جغرافیایی درگیری به چند گروه تقسیم می‌شود:

- گاهی بروز اختلاف میان دو کشور همسایه زمینه ایجاد بحران سیاسی میان آن دو را فراهم می‌سازد که مراحل مختلفی را از تیرگی روابط دیپلماتیک تا یک جنگ تمام عیار شامل می‌شود. نمونه‌های فراوانی از این بحرانها را می‌توان در گوشه و کنار جهان معرفی کرد که هر روزه بین دول همسایه اتفاق می‌افتد. بحران میان ایران و عراق نمونه روشنی از آن است که هنوز هم ادامه دارد.

- گاهی نیز ممکن است بحران میان دو کشور غیر مجاور روی دهد که با یکدیگر فاصله بسیار زیادی دارند و حتی ممکن است مربوط به دو قاره جداگانه باشند، مانند بحران جزایر فالکلند میان آرژانتین و انگلستان یا درگیری آمریکا در ویتنام و کره.

- زمانی نیز محدوده بحران شامل یک منطقه وسیع جغرافیایی است که بخشی از یک قاره را شامل می‌شود، نظیر بحران خاورمیانه که ۵ کشور را بطور مستقیم و تعداد زیادی از کشورها را بصورت غیر مستقیم درگیر ساخته است.

- برخی از رویدادهای سیاسی به دلیل اهمیت و وسعت دامنه موضوع درگیری، ابعاد جهانی می‌یابد و کلیه کشورها را به گونه‌ای درگیر می‌سازد، مانند جنگ جهانی اول و دوم یا بحران موشکی کوبا که دنیا را به پرتگاه جنگ هسته‌ای کشانید.<sup>۸</sup>

#### □ ۴- منشأ جغرافیایی بحرانها

از دیدگاه جغرافیا کلیه بحرانهای سیاسی دارای منشأ سرزمینی بوده و از علل تاریخی و جغرافیایی خاصی سرچشمه می‌گیرد. علیرغم اینکه هدف دولتهای درگیر همواره مبتنی بر گسترش قلمرو نفوذ و فراهم ساختن زمینه اعمال قدرت سیاسی مستقیم و یا غیر مستقیم بر یک سرزمین مشخص می‌باشد و تفکیک اهداف آنها معمولاً به دلیل چند منظوره بودن به دشواری صورت می‌گیرد، اما با توجه به دلایلی که هر یک برای شروع بحران عنوان می‌کند، می‌توان آنها را به چند دسته تقسیم کرد:

- بحرانهایی که منشأ امنیتی داشته و مربوط به تأمین مرزهای سیاسی یکی از دولتهای درگیر می‌باشد. انگیزه بروز این گونه بحرانها یا ناشی از تهدید شدن امنیت یک کشور توسط دیگری است، یا ناشی از لزوم دستیابی یکی از آنها به موقعیتی ممتاز و برتر برای تأمین امنیت آینده قلمرو خود که طبعاً موجب به خطر افتادن امنیت طرف مقابل می‌گردد. این گونه بحرانها که بازتاب آن به سرعت انعکاس می‌یابد، از خطرناکترین و حادثترین بحرانهاست که چنانچه به سرعت حل و فصل نشود درگیری نظامی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. بحرانهایی از این نوع بسته به وسعت صحنه عملیات و کشورهای درگیر، اشکال گوناگونی به خود می‌گیرد که از اشغال جنوب لبنان و بلندیهای جولان توسط اسرائیل تا استقرار موشکهای اتمی شوروی در کوبا متفاوت است.

- برخی از بحرانها نیز ناشی از اختلاف دو یا چند کشور بر سر منابع اولیه و مواد خام موجود در یک سرزمین حائل یا متعلق به یکی از آنهاست، مانند اختلافات عراق و کویت بر سر ذخایر نفتی «رومیله» که منجر به اشغال خاک